

محدودیت‌های آزادی بیان در اسلام

نویسنده: فریده محمدی

چکیده

آزادی بیان از جمله حقوق طبیعی و ذاتی انسان دانسته شده و تمام انسانهای پیشرو، اصلاح طلب و ایجادگر، همیشه از این حق حمایه و پشتیبانی نموده اند. آنها چنین میپنداشتند که این حق یک ودیعه الهی و غیر قابل سلب است. مشروط به اینکه آزادی بیان منجر به تهمت، افشای راز، بدگویی، غیبت و در نهایت ترویج فساد نباشد. در آیات متعدد قرآن کریم، هتک حرمت اشخاص، افتراء، استهزاء، عیب جویی در قالب آزادی بیان نهی شده و حتی القاب خاص بر افراد نهادن را آیات منع کرده است. بناءً ابراز مطالب ضد آداب و عفت عامه، تشوق به فساد و بی حیایی توهین و تحقیر اشخاص، تحریک به جنگ و ایجاد آشوب و فتنه، ایجاد تبعیض و تفرقه میان مردم اعمالی زشت و نارواست که نمیتوان به دلیل آزادی اندیشه و بیان، آنها را توجیه نمود؛ یعنی آزادی بیان با تمام اهمیتی که دارد نباید این محدودیتها را نقض کند؛ بنابر این، با توجه به احکام دین مبین اسلام و اعلامیه اسلامی حقوق بشر، هر گاه بیان افراد به یکی از این حقوق و آزادیهای دیگران آسیب وارد کند و موجب آزار و اذیت افراد جامعه گردد، محدودیت قابل قبول است. در واقع آن آزادی بیان مورد احترام و مورد حمایت نیست.

کلید واژه ها: اسلام، آزادی بیان، محدودیت، توهین به مقدسات، هتک حرمت.

۱. مقدمه

آزادی فکر و بیان حقی است که به موجب آن هر شخص می تواند در رابطه به موضوع مشخصی فکر نماید، تأمل کند و بعد از تعقل و تدبر عقیده قایم نماید و این اندیشه خود را به هر وسیله یی که بخواهد ابراز کند. هیچ شخص و مرجع به شمول دولت حق ندارد تا مانع این کار شود، افکار و عقاید دیگران را تحت کنترل و سانسور قرار دهد یا با ایجاد موانع از رشد سالم فکری اشخاص جلوگیری نماید. یگانه حد و مرزی که در زمینه وجود دارد، رعایت احکام شریعت و قانون است که نباید شخص از آن عدول نماید.

در اسلام نیز آزادی بیان به صورت مطلق پذیرفته نشده و خداوند (ج) نیز یک سلسله محدودیتهایی را برای آزادی بیان در قرآن کریم وضع نموده است که تخطی از آن باعث ایجاد مسؤولیت اخروی و دنیوی میشود. در ماده بیست و دوم اعلامیه اسلامی حقوق بشر محدودیتهای آزادی بیان عبارت اند: از مغایرت با اصول دین، عدم جواز تبلیغ سوء بر ضد مقدسات و کرامت انبیاء (ع)، عدم جواز برانگیختن احساسات مذهبی قومی، لسانی، نژادی، حقوق و آزادیهای دیگران؛ به تعبیر بهتر میتوان گفت اصولی که بتوان به صورت مطلق آن را تأیید کرد، به ندرت یافت میشود. جان استوارت میل نیز آزادی مطلق را نمیپذیرد و در صورت تحریک آمیز بودن آن را مشروع نمیداند. وی در این باره مینویسد: «وقتی اوضاع و شرایطی که عقاید در آن ابراز میگردد؛ چنان باشد که اظهار عقیده را به صورت نوعی تحریک برای انجام کاری مخل مصالح مشروع دیگران در آورد، آن وقت حتی اظهار عقاید هم مصونیت خود را از دست میدهد.» بناءً در این تحقیق سعی گردیده تا محدودیتهای آزادی بیان از نظر قرآن کریم و اعلامیه اسلامی حقوق بشر مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد.

۲. مفهوم شناسی آزادی بیان

در آثاری که در باره آزادی بیان نوشته شده است و نیز در گفت و گو ها از آزادی برداشتهای مختلفی شده است که آشنایی با آنها برای فهم و تحلیل مسائل مرتبط با این آزادی ضروری است؛ زیرا، پیش از طرح مباحث راجع به این آزادی باید مشخص شود که کدام برداشت از آن مورد نظر است.

۱-۲. آزادی بیان و حق آزادی بیان

گاهی سخن بر سر مطلق آزادی بیان است و گاهی در مورد حق آزادی بیان. فلاسفه و علمای سیاست غالباً از مطلق آزادی بیان سخن به میان می‌آورند؛ اما حقوق‌دانان از حق آزادی بیان برای مثال زمانی که جان استوارت میل در کتاب رساله در باره آزادی از آزادی افکار و مباحثات سخن می‌گوید، عمدتاً به معنای اول نظر دارد؛ اما هنگامی که میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی یا قانون اساسی یا قانون مطبوعات یک کشور، حکمی درباره آزادی بیان مقرر میدارد به معنای دوم نظر دارد. تفاوت این دو معنا در آن است که حق آزادی بیان در مقایسه با مطلق آزادی بیان، چارچوب و قلمرو مشخص دارد؛ همانند سایر حق‌ها دارنده این آزادی، طرف آن، محتوای آن، حدود آن و ضمانت اجرای آن تا حد زیادی مشخص است. در این تحقیق علی‌الاصول، سخن بر سر حق آزادی بیان و محدودیت‌های آن است تا خود آزادی بیان (۷:۳).

۲-۲. معانی عام و خاص آزادی بیان

برخی نظریه‌ها و به تبع آن نظریه‌ها در برخی از کشورها همانند امریکا، آزادی بیان نه تنها شامل آزادی در گفتار و نوشتار میشود؛ بلکه شامل هر نوع رفتاری است که حاوی یک پیام باشد؛ بر این اساس، طرز پوشش، برخورد در مناسبت‌های مختلف اجتماعی و تشکیل اجتماعات و انجمن‌ها و برگزاری راهپیمایی‌ها مشمول مفهوم آزادی بیان میشود. (۳:۸) آزادی بیان در مفهوم عام قلمرو وسیعی دارد. این آزادی در برگیرنده نوشته، کلام و همچنین اعمال و حرکات فیزیکی اشخاص است که ممکن است مستلزم حمایت باشند؛ به عبارت دیگر، آزادی بیان از انتقال عقاید یا نظریات به شیوه‌های صرفاً فیزیکی نیز حمایت میکند و در ادبیات حقوق بشر و حقوق اساسی عمدتاً بر این معنای عام دلالت دارد؛ اما در معنای خاص آزادی بیان یا بیان افکار و عقاید یا نظریات محدود میشود (۱۸:۴۱).

۳-۲. مقایسه آزادی بیان با سایر آزادی‌ها

آزادی بیان در معنای خاص خود سایر آزادی‌های رسانه‌یی نظیر آزادی مطبوعات، کلام و ارتباطات را نیز در بر میگیرد. آزادی مطبوعات متضمن آن است که محدودیت و نظارت قبلی بر انتشار وجود نداشته باشد (۱۴:۲۵) و مدیران یا مالکان یک نشریه آخرین حرف را در مورد آنچه میخواهند، بنویسند یا منتشر کنند. که به معنی آزادی انتشار نیز یاد میشود. آزادی کلام شمولیت دارد

بر آزادی در مطبوعات؛ مانند نوشتن، صحبت کردن، چاپ کردن، پخش رادیویی یا تلویزیونی عقاید یا اطلاعات بدون مداخله و کنترل قبلی دولت. آزادی ارتباطات نیز اصطلاح جدیدی است که بر حق برخورداری از امکان آگاه شدن و آگاه کردن، حق شرکت در اجتماعات و مباحثات به طور کلی حقوق مراوداتی تأکید دارد. هدف این آزادی آن است که نقض آزادیهای بیان، مطبوعات و اطلاعات را جبران کند و حامیان آن معتقدند که آزادیهای مذکور صرفاً به جریان یک سویه اطلاعات از سوی وسایل ارتباطی به سوی مردم منتهی میشود؛ ولی آزادی ارتباط در صدد است زمینه جریان دو سویه و متقابل اطلاعات را فراهم آورد (۳: ۹).

۳. جایگاه آزادی بیان در اسلام

آزادی بیان که به عنوان یک حق نهاده در جوامع امروزی پذیرفته شده است، یکی اصول اساسی و نهاده در دموکراسی میباشد. تحقق دموکراسی در کشورها را بدون وجود آزادی بیان امری ممتنع دانسته اند که افغانستان نیز خود را ملزم به رعایت این اصول دانسته و آزادی بیان را به عنوان یک حق در قوانین داخلی خود جای داده است (۱۰: ۱۲).

۳-۱. آزادی بیان در دین اسلام

در دین اسلام، آزادی نطق و بیان و آزادی قلم از حقوق مسلم افراد به شمار میرود. اولویت و اهمیت دادن اسلام به بیان و قلم را میتوان از همان آغاز بعثت و در نخستین آیاتی که در جبل النور و غار حرا به پیامبر (ص) نازل شد، دریافت که در آن خداوند فرستاده خود را به خدایی دعوت میکند که «انسان را به وسیله قلم تعلیم داد و آنچه را نمیدانست به او آموخت» (علق آیات ۴-۵) در این حرکت علمی که دقیقاً مقارن آغاز وحی است، آزادی بیان و قلم برای انتقال مکنونات و مفاهیم و تبادل افکار و اندیشه ها، مستتر است (۱۵: ۳۴۸). در چارچوب دین اسلام، تا آنجا که به کتاب و سنت مربوط میشود، آیات و احادیث بسیاری را میتوان یافت که مفاد آنها دلالت بر احترام به اندیشه و آزادی تفکر و بیان آن با توجه به انفکاک ناپذیری این دو دارد. محققان رقم آیات قرآنی ناظر به تدبیر و تفکر را متجاوز از صد ها آیه برآورد کرده اند (۱۶: ۷۰). در یک دسته بندی اجمالی و صریح یا آیات زیر به خوبی میتواند مؤید مدعای فوق باشد:

آیات ناظر به لزوم تدبیر و تفکر؛ مانند «آیا منافقان در قرآن تفکر نمیکنند یا بر دل‌های شان قفل‌های

جهل و نفاق زده اند» (محمد، آیه ۲۴). «بگو آیا کور و بینا برابر اند؟» آیا اندیشه نمیکنید «که عالم و جاهل یکسان نیست؟» (انعام، آیه ۵۰).

آیات مربوط به نهی از پیروی از نیاکان؛ مانند «کفار را گویند پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود آیا بایست آنها تابع پدران باشند در صورتی که آنها بی عقل و نادان بوده هر گز به حق و راستی هدایت نیافته اند» (بقره، آیه ۱۷۰). در سنت نیز احادیث و روایات زیادی که صریحاً یا ضمناً مفید آزادی بیان است، یافت میشود؛ مثلاً بیان معروف پیامبر (ص) را مبنی بر «هر کدام شما نگهبان و مسؤول رعیت خویش هستید» می توان از جمله مستندات آزادی بیان تلقی نمود.

در مورد آزادی بیان میان حقوقدانان اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. برخی آزادی عقیده و بیان را در این مورد پذیرفته و تنها تبلیغ و ترویج را ممنوع دانسته اند، برخی دیگر از این نیز پیشتر رفته و تبلیغ سالم را که مبتنی بر کذب نباشد جایز دانسته اند (۱۳: ۲۰۹-۲۱۰)؛ به هر حال، در اینکه به اتفاق نظر فقها، در دین اسلام نیز مانند سایر ادیان، بلکه همه تفکرات فلسفی و اجتماعی و نظامهای حقوق موضوعه، حدودی برای آزادی بیان در نظر گرفته شده است، تردیدی نیست. محتوای این حدود به اعتقاد برخی ماهوی است؛ مانند آیت الله محمد حسین طباطبایی که مرز آزادی عقیده و بیان را مبانی اسلام (توحید، نبوت و معاد) میداند و آزادی در پذیرش یا نفی اصول فوق را مستلزم ویرانی دین تلقی میکند (۱۲: ۶۴). به رعایت مبانی یا احکام دین باز میگردد و به اعتقاد برخی شکلی است و ناظر به شیوه بیان از نظر صداقت در گفتار و نوشتار و عدم اغفال و مانند آن است. برخی دیگر نیز متذکر هر دو جنبه شده اند؛ مثلاً عبدالقادر عوده در این زمینه مینویسد: اگر چه حق هر انسانی است که آنچه را حق میدانند ابراز نموده و با زبان و قلم از عقیده خویش دفاع کند؛ ولی آزادی بیان، بی قید و شرط نیست؛ بلکه مشروط است به اینکه نوشته و گفته آدمی، خارج از آداب عمومی و اخلاق نیک و مغایر با نصوص و قواعد شرعی نباشد. پیامبر اکرم (ص) نخستین فردی بود که دامنه آزادی بیانش محدود گردید. خداوند تعالی به رسول اکرم اجازه نداده است که در ابراز نظراتش بی حد و مرز باشد؛ بلکه شیوه دعوت را برای وی معین نموده و او را ملزم نمود تا در دعوت خویش به حکمت و موعظه حسنه

توسل جسته؛ به بهترین صورت احتجاج نموده؛ از جاهلان دوری گزیده و سخن ناپسندی را ابراز ندارد و مبلغان شرک را ناسزا و دشنام نگوید (۱۳: ۲۱۱).

۴. محدودیتهای آزادی بیان

در خصوص حق آزادی بیان، این مسأله باید مطرح گردد که بهره‌مندی از این حق مطلق و نامحدود نبوده، و باید در تمتع از این حق محدودیتهایی وجود داشته باشد. اجرای حق آزادی بیان اگر بدون هرگونه محدودیتی صورت پذیرد، ممکن است حقوق و آزادیهای دیگر افراد و جامعه را در معرض خطر و نابودی قرار دهد یا آنکه نظم عمومی جامعه را مختل نماید و منجر به از بین رفتن امنیت ملی شود. گاهی نیز میتواند سلامت و اخلاق جامعه را به شدت به مخاطره اندازد (۱۹: ۳۵).

۴-۱. مشروعیت حدود آزادی بیان

آزادی بیان مطلق نیست، محدودیتهایی دارد که در ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر به این محدودیتها اشاره شده است. محدودیتهای قابل قبول آزادی بیان چند مورد را در بر میگیرد؛ از جمله: مغایرت با اصول دین، تبلیغ سوء بر ضد مقدسات و کرامت انبیاء (ع)، برانگیختن احساسات مذهبی، قومی، لسانی و نژادی. برخی از محدودیتهای فوق در قوانین ملی و اسناد بین المللی نیز به رسمیت شناخته شده است که در مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین در برخی دیگر از عهد نامه های بین المللی پیش‌بینی شده اند. بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی محدودیتهای معینی را در این راستا تدوین نموده است: "اعمال مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسؤولیتهای خاص است. لذا ممکن است تابع محدودیتهای معنوی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

(۱) احترام به حقوق یا حیثیت دیگران؛

(۲) حفظ امنیت ملی، نظم عمومی و مصالح عامه؛

(۳) تبلیغ برای جنگ؛

(۴) دعوت به کینه (تفرق ملی یا نژادی یا مذهبی) که محرک تبعیض، مخاصمه یا اعمال زور

باشد (۱۸: ۵۲).

مشروط بر اینکه اعمال محدودیت برای تأمین هدفهای موصوف ضرورت داشته باشد (۹: ۱۷۳). اولین محدودیت حق آزادی بیان، آزادی و حیثیت دیگران است. زندگی اجتماعی متضمن این امر است که افراد در امن و صلح و صفا کنار هم زندگی نمایند. به خاطر تأمین این مأمول فوق لازمست تا هر فرد حقوق و آزادی دیگران یا سایر افراد جامعه را در نظر گیرد و دست به عملی نزند که به دیگران ضرر و اذیت وارد سازد. دومین محدودیت آزادی بیان را در اسناد ملی و بین المللی مصالح عامه تشکیل میدهد. مصالح عامه اموریست متعلق به همه افراد جامعه؛ آنچه میان تمام شهروندان کشور مشترک بوده، رعایت و تطبیق آن در جامعه، نظم را تأمین مینماید، اخلاق اجتماعی را حفاظت کرده، در آن خیر و بهبود جامعه مدنظر بوده و برای تأمین رفاه عامه به کار برده میشود (۸: ۲۹۰). البته بیان مطالبی که موجب شر و فتنه میشود نمیتواند توجیه پذیر باشد. همچنان که ماده ۲۰ میثاق مذکور اعلام میدارد: "هر گونه تبلیغ برای جنگ و هر گونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع است" (۴: ۴۶). به این ترتیب، به بیان هر گونه مطالب خصومت آمیزی که موجب در معرض خطر قرار گرفتن صلح بشری شود، اصولاً نمیتوان آزادی بیان اطلاق کرد (۱۶: ۱۶۱). ممنوعیت تبلیغات تنفر انگیز هدف فوری واقعی و خیلی مهمی است؛ چنانکه به موجب اسناد بین المللی، یک رابطه منطقی روشن میان ممنوعیت تبلیغات تنفر انگیز و جلوگیری از اثرات و پیامدهای زیان آور آن وجود دارد؛ از اینرو ممنوعیت مزبور نه افراطی و نه مبهم میباشد (۱۷: ۶۹).

یک محدودیت منطقی و طبیعی دیگر نیز بر حق آزادی بیان متصور است، و آن لزوم هماهنگی این حق با دیگر حقوق و ارزشهای مندرج در اسناد بین المللی حقوق بشر است؛ بنابر این آزادی بیان را نمیتوان علیه دیگر اصول و معیارهای حقوق بشر؛ مثلاً برای حمایت از تبعیض اعم از تبعیض نژادی، مذهبی یا جنسی و غیره مورد استفاده قرار داد (۹: ۱۷۳).

پیش بینی این محدودیتها نوعی تعادل بین مصالح عمومی و حقوق و منافع افراد را اقتضا میکند که برقراری آن به نحو منصفانه کار آسانی نیست؛ زیرا به کار بردن عناوینی همچون نظم عمومی و امنیت عمومی مبهم و کشدار به نظر میرسد و ممکن است با تفاسیر موسع از سوی مراجع رسمی حکومتی

مورد سوء استفاده قرار گیرد و بدین وسیله عرصه را بر آزادی بیان تنگ کند (۷: ۱۴۰-۱۴۱)؛ یعنی آزادی بیان با تمام اهمیتی که دارد نباید این محدودیتها را نقض کند؛ بنابر این اگر بیان افراد به یکی از این حقوق و آزادیهای دیگران آسیب وارد کند، محدودیت قابل قبول و در واقع آن آزادی بیان مورد احترام و مورد حمایت نیست (۲۳: ۴).

۲-۴. قواعد حاکم بر مشروعیت حدود

محدودیتها در صورتی پذیرفتنی اند که از نظر حقوقی مشروع باشند؛ یعنی بر طبق اصول و قواعد و منطق حقوقی پیش بینی شده باشند. قواعدی که مشروعیت محدودیتهای آزادی بیان بر اساس آنها سنجیده میشود، از نظر مبنا به دو دسته تقسیم میشوند (۲: ۱۱۶).

۴-۲-۱. قواعد عقلی یا منطقی

همواره باید به یاد داشته باشیم که آزادی بیان، اصل است و محدودیتها، استثناء؛ بنابر این، در تعیین احکام حاکم بر رابطه بین آنها باید از قواعدی پیروی کرد که به حکم عقل و منطق بر رابطه بین اصل و استثناء یا اصل و فرع حاکم است؛ برای مثال هیچ محدودیتی نمیتواند آزادی بیان را حذف یا از محتوا تهی کند؛ زیرا در این صورت، رابطه بین اصل و فرع معکوس میشود؛ هیچ استثنایی نمیتواند از اصل خود بیشتر باشد؛ زیرا استثناء اکثر، قبیح و مردود است و نباید مبهم باشد؛ زیرا استثنای مبهم باطل است. استثناء باید به صورت مضیق تفسیر شود و در تعیین مفاد آن باید به قدر یقین بسنده گردد (۲: ۱۱۶).

۴-۲-۲. قواعدی را که نظام حقوقی تحمیل میکند

با توجه به اینکه سخن بر سر حل تعارض بین قواعد حقوقی است (قواعدی که به عنوان استثناء بر قواعد حاکم بر آزادی بیان و مطبوعات و فعالیتهای رسانه‌ای وارد میشود) باید محدود کردن قواعد اصلی و مادر در چهارچوبی صورت گیرد که نظام حقوقی کشور اجازه میدهد؛ به دیگر سخن، تحمیل استثناء بر اصل آزادی بیان یا اطلاعات باید در چهارچوب نظام حقوقی مشروع باشد؛ برای مثال اگر حق بر خورداری از آزادی بیان در زمره یکی از حقوق شناخته شده در قانون اساسی باشد استثنای آن نیز باید در قانون اساسی پیش بینی شود یا نهایت آنکه با اجازه قانون اساسی، در قوانین عادی پیش بینی شود؛ زیرا، قانون عادی صلاحیت محدود کردن حقوق پیش بینی شده در قانون

اساسی را ندارد. قانون مطبوعات نمیتواند محدودیت‌های غیر از آنچه قانون اساسی اجازه داده است بر آزادی بیان وارد نماید. بر این اساس، در هیچ مصوبه‌ی غیر از قانون نمیتوان بر حق مذکور، محدودیت وارد کرد (۲: ۱۱۶-۱۱۷).

۴-۳. قواعدی را که نظام حقوق بشر تحمیل میکند

با توجه به اینکه حق برخورداری از آزادی بیان و سایر آزادی‌های رسانه‌ی در زمره حقوق بشر (یا شهروندی یا بنیادین) شناخته میشوند، محدودیت‌هایی هم که بر این حق وارد میشود. باید با معیارهایی که برای مشروعیت محدودیت‌های حقوق بشر مشخص شده است، مغایرت نداشته باشند؛ برای مثال جزء در صورت وجود «ضرورت معقول» نباید به محدود کردن آزادی بیان اقدام شود؛ محدودیت وارد بر آزادی بیان، باید با مقتضیات یک «جامعه دموکراتیک» هماهنگی داشته باشد؛ اگر تحقق یک هدف با استفاده از وسایل و روش‌های دیگری که در مقایسه با محدود کردن آزادی بیان کم اهمیت هستند ممکن باشد، نباید به تحمیل محدودیت اقدام شود و از محدود کردن آزادی بیان تنها به عنوان آخرین چاره میتوان استفاده کرد و این محدود کردن نباید با نقض سایر حقوق همراه باشد.

۵. محدودیت‌های آزادی بیان در اسلام

در حقوق اسلام نیز محدودیت‌هایی برای آزادی بیان وجود دارد (۱۳: ۵۷). اعلامیه اسلامی حقوق بشر در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در ۵ اگست ۱۹۹۰ میلادی مطابق با ۱۵ اسد سال ۱۳۶۹ هجری شمسی در قاهره به تصویب رسید. حق آزادی بیان در این اعلامیه نیز به رسمیت شناخته شده است قسمی که در ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر صریحاً به این موضوع اشاره شده: «هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد (۷۳: ۲۰)». از این ماده استنباط میشود که اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز محدودیت‌هایی را در زمینه آزادی بیان وضع نموده است.

۵-۱. توهین به مقدسات

همان طور که اشاره شد، آزادی بیان نباید حقوق و آزادی‌های دیگران را نقض کند. بیان افراد نباید به گونه‌ی باشد که حقوق و آزادی‌های دیگران را سلب کند. یکی از آزادی‌های دیگران آزادی مذهب است؛ یعنی بیان اشخاص نباید مانع بهره‌مندی دیگران از مذهب مورد نظر آنها شود و افراد

باید بتوانند آزادانه به مذهب خود عمل کنند؛ اما نکته یی که به نظر میرسد بیشتر به این مسأله مربوط است، بحث احترام به مذهب دیگران و عدم توهین به اعتقادات دیگران است؛ همان طور که اشاره شد یکی از محدودیتهای قابل قبول آزادی بیان رعایت حقوق و آزادیهای دیگران است. در همین چارچوب میتوان بحث توهین به اعتقادات دیگران را هم در نظر گرفت. البته این غیر از مقدسات است. در اسناد بین المللی واژه مقدسات مورد استفاده قرار نگرفته است؛ چون واژه مقدسات، واژه مبهمی است و هر چیزی ممکن است برای هر کسی مقدس باشد؛ اما توهین نکردن به عقاید و شخصیت و شان و منزلت افراد که میتواند به اعتقادات آنها نیز مربوط باشد، از محدودیتهای آزادی بیان است. در واقع آزادی بیان این حق را به کسی نمیدهد که به شخصیت دیگران توهین کند. این توهین نکردن به شخصیت دیگران، شامل توهین نکردن به اعتقادات دیگران نیز هست. باید در نظر داشتی که نقد و بحث علمی و حتی رد علمی توهین محسوب نمیشود. توهین به معنای بی احترامی کردن، تحقیر کردن و بی اعتنایی به اعتقادات دیگران است. لذا آزادی بیان به معنای اهانت و توهین به اعتقادات دیگران نیست (۲۳: ۳).

اهانت و توهین به معنای عام میباشد و به کلیه موارد توهین و اهانت اطلاق میگردد و کیفیت شمول مصداقی توهین و اهانت را حاکم اسلامی تشخیص میدهد. در آیات قرآن مکرر در باره اهانت به آیات الهی از سوی مشرکان و کافران بحث شده و هر بار به آنان وعده عذاب الهی داده شده است و حتی در برخی از آیات خطاب به مسلمین میفرماید که حفظ مقدسات دینی و عدم توهین به حدی است که اگر شما در مجلسی بودید و مشاهده کردید که توهین و افترا صورت میگیرد، لازم است سریعاً آن مجلس را ترک کنید و الا شما نیز مثل آنان خواهید بود (۲۲: ۵). عدم توهین و اهانت به مقدسات تا حدی است که قرآن خطاب به مؤمنان میگوید: شما نباید به خدایان مشرکان دشنام و ناسزا بگویید؛ چرا که آنان به خدای شما از روی جهالت و نادانی دشنام خواهند کرد (۱: انعام، آیه ۱۰۸).

«مقدسات مردمی را که غیر از خدا را ستایش میکنند، مورد بی حرمتی قرار ندهید؛ زیرا آنها نیز از روی دشمنی و جهالت همین کار را با خدای شما خواهند کرد»؛ بدین ترتیب خداوند (ج) توهین

به مقدسات دینی را ممنوع اعلام نموده است تا از اختلاف و تعصبات کور و بی منطق جلوگیری شود (۱۳: ۶۳-۶۴). مطابق نص قرآنکریم، این امر اختصاص به امت پیامبر اسلام (ص) ندارد؛ بلکه شامل امت‌های پیشین نیز میشود؛ چنان که در سوره بقره، آیه ۸۳ میفرماید: «ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و با آنها گفتیم جزء خداوند یگانه را پرستش نکنید و با مردم زیبا سخن بگویید.»

۲-۵. هتک حرمت

از جمله موارد نقض حدود آزادی بیان تعرض به حیثیت، شرافت و هتک حرمت اشخاص از طریق استعمال الفاظ و عبارات اهانت آمیز است (۱۳: ۲۳۳). بیان مطالبی که باعث هتک حرمت اشخاص میگردد یا منافی عفت قلم باشد، منع قرار داده شده است. آزادی در آموزه های فلاسفه سیاسی عبارت است از اینکه هر انسانی بتواند مصلحت خویش را به شیوه مورد نظر خود دنبال کند، مشروط به این که به مصالح دیگران، آسیبی نرساند؛ بدین سان اصل آزادی بیان و یا هر نوع آزادی دیگر افراد، با مصالح جمعی تحدید میشود. این تحدید بر اساس عرف مسلمین صورت میگیرد و این مسأله در قانون اساسی نیز تجلی کافی داشته است (۲۴: ۴).

ایجاد ضرر به دیگران از طریق دشنام، تحقیر و توهین کاری است نادرست. نباید به بهانه آزادی بیان دیگران را مورد هتاک و دشنام قرار داد و یا آنکه به آنها چنان اعمال و افعالی را نسبت داد که عاری از حقیقت باشد و هدف آن خورد ساختن و حقیر شمردن باشد. اگر آزادی بیان من حیث یک حق اساسی برای افراد قبول شده هدف آن اصلاح جامعه و ترویج علم یا خدمت به مردم و جامعه است، نه ضرر رسانیدن به دیگران و وارد ساختن لطمه به حیثیت و شخصیت آنها. تخریب شخصیت دیگران و ریاکاری به خاطر شهرت طلبی و نفع جویی، انتساب تهمت و افترا به دیگران که در اثر آن حیثیت شخص جریحه دار شود، عملی ناشایست و خلاف اخلاق انسانی و اجتماعی است (۸: ۲۹۳-۲۹۴).

۳-۵. قذف، افتراء و نسبت دادن کفر به مسلمان

قذف که در اسلام یک امر ناپسند است عبارت از آن است که به زن یا مرد عفیف و مسلمان نسبت زنا و لواط داده شود. چنین امری ممنوع و مستوجب مجازات و حد است (۱۲: ۶۲-۶۳). در آیه

۲۳ سوره نور آمده است: «البته کسانی که به زنان با ایمان و عقیقه و بی خبر از کار بد تهمت بستند، محققاً در دنیا و آخرت ملعون و محروم از رحمت حق شدند و بر آنها عذاب بزرگی خواهد بود.» افتراء عبارت از متهم ساختن کسی است به ارتکاب جنحه یا جنایت بدون دلیل یا به معنای آن است که شخصی به دیگری کار نادرست و جرمی را نسبت دهد. کسی نمیتواند به استناد آزادی بیان به دیگری توهین کند یا افترازند و الا این امر نیز ممنوع و مستوجب مجازات و تعزیر است (۵: ۳۳). یکی دیگر از محدودیتهای آزادی بیان نسبت دادن کفر به مسلمان است. آیه ۹۴ سوره نساء میفرماید: «...» به آن کسی که اظهار اسلام کند و به شما سر تسلیم فرود آورد نسبت کفر ندهید.» حتی اگر آن شخص گناهی مرتکب شده باشد نباید چنین نسبتی به او داد (۱۳: ۶۲-۶۳).

۵-۴. ترویج فساد و فحشا

توجه به سلامت جامعه و افرادی که در آن زنده گی میکنند، موجب شده است تا یکی از محدودیتهای آزادی بیان جلوگیری از ترویج فساد و فحشا از طریق اظهار مطالب جنسی مستهجن و تحریک کننده میباشد؛ چنانچه خداوند (ج) در قرآنکریم در آیه ۱۹ سوره نور میفرماید: «همانا کسانی که دوست دارند فحشا در میان مومنان شیوع پیدا کند، برای آنها در دنیا و آخرت عذاب دردناک است.» جهت روشن شدن اینکه چه چیزی فساد و فحشا محسوب میشود، باید به قواعد شرعی عرف مراجعه کرد؛ لیکن همیشه عرف مستقر و ثابت وجود ندارد، ممکن است این امر باعث سوء استفاده حکومتها قرار گیرد و به این بهانه آزادی بیان محدود گردد (۱۳: ۶۳). در برخی از کتب آزادی بیانی را که موجب ترور شخصیت مؤمنی شود معادل دخول در ولایت شیطان و خروج از ولایت الهی دانسته شده است (۱۳: ۶۲). علاوه بر این مورد افشای اسرار و عیوب دیگران، نسبت دادن کفر به مسلمان، بدعت، افتراء به خداوند (ج)، ابراز نظر در مسایل شرعی بر اساس هوا و هوس و ایجاد وحشت و اضطراب در جامعه نیز میتواند به عنوان محدودیتهای آزادی بیان در آموزه های دین مطرح باشد که به خاطر رعایت اختصار از توضیح آنها صرف نظر میشود.

۶. نتایج نقض حدود آزادی بیان

روشن است حدود مقرر برای همه حقوق از جمله حق آزادی بیان تعهد قانونی را برای همه افراد

به رعایت آن ایجاد میکند. نقض این تعهد قانونی؛ مانند همه تعهدات و تکالیف قانونی موجب ایجاد مسئولیت است. میدانیم که مسئولیت گاه به معنی تعهد و تکلیف و وظیفه، و گاه به معنی قابلیت بازخواست است. در بحث‌های حقوقی در بسیاری از موارد مراد از مسئولیت و قابلیت بازخواست ناشی از نقض تعهد و عدم رعایت تکلیف است. این تعهد یا تکلیف ممکن است ناشی از قرار داد یا قانون باشد؛ چنان که محدودیت‌های آزادی بیان به عباره دیگر تعهد یا تکلیف مربوط به رعایت حدود آزادی بیان ممکن است ناشی از قرارداد (مانند قرارداد وکالت، مشاوره، معالجه و...) باشد یا از قانون ناشی شده باشد. البته فرض اخیر شایع تر است؛ بدین ترتیب، میتوان گفت که نتایج نقض تعهدات اعم از قانونی و قراردادی به اختصار موجب ایجاد مسئولیت مدنی یا کیفری و در صورت جمع شرایط موجب ایجاد هر دو نوع مسئولیت است. در واقع، با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، هر گونه نقض تعهد (قانونی یا قراردادی) موجب ایجاد مسئولیت کیفری نیست. نقض تعهدات قانونی یا قراردادی تنها در صورتی موجب ایجاد مسئولیت کیفری است که قانون صریحاً آن را جرم تلقی و برای آن مجازات تعیین کرده باشد؛ در حالی که ایجاد مسئولیت مدنی همیشه مبنای خاص قانونی نمیخواهد. مطابق قاعده «هر کس به دیگری خسارتی بزند باید جبران کند»؛ به علاوه، جنبه شخصی امور کیفری، موجب شده که غالباً نیت یا قصد متهم به عبارت دقیق تر وجود سوءنیت در متهم شرط تحقق مسئولیت کیفری باشد؛ در حالی که در مسئولیت مدنی، خطا جنبه اخلاقی خود را از دست داده و چهره نوعی و اجتماعی پیدا کرده است (۱۱: ۵۳-۵۴). البته، از طرف دیگر، باید دانست که در تحقق مسئولیت مدنی ورود خسارت شرط است؛ به همین جهت، پاره‌یی از جرایم، با اینکه مجازات‌های سنگینی دارند، به دلیل عدم ایراد خسارت به اشخاص، با مسئولیت مدنی همراه نیستند؛ بدین ترتیب، میبینیم که نقض تعهدات قانونی و قراردادی، از جمله محدودیت‌های مربوطه به آزادی بیان گاه تنها موجب ایجاد مسئولیت مدنی و گاه تنها موجب ایجاد مسئولیت کیفری است. با این وصف، در فرض نقض حدود آزادی بیان نیز مانند بسیاری از موارد به رسیدگی مدنی و کیفری بی ارتباط نیست و غالباً خطای مشترک، یعنی یک عمل نامشروع و ناشایست، میتواند منشأ هر دو مسئولیت مدنی و کیفری گردد (۱۳: ۲۲۰-۲۲۱).

نتیجه گیری

آزادی جزء حقوق اولیه انسانی محسوب میشود. خداوند انسان را آزاد خلق کرده است؛ اما اصل آزادی انسان با اصل دیگری معارضه پیدا میکند و آن اینکه آزادی انسان، با اصول اخلاقی معارضه نداشته باشد؛ بدین سان آزادی بیان در این آموزه ها (از این حیث) وجود دارد؛ ولی مشروط به اینکه آزادی بیان منجر به تهمت، افشای راز، بدگویی، غیبت و در نهایت ترویج فساد نباشد. در آیات متعدد قرآن کریم توهین به مقدسات، قذف، افتراء، نسبت دادن کفر به مسلمان، ترویج فساد و فحشا، تمسخر، استهزاء، عیب جویی در قالب آزادی بیان نهی شده و حتی القاب خاص بر افراد نهادن را آیات منع کرده است. در ذیل به آیه حجرات اشاره میشود که موارد ممنوعه آزادی بیان به طور کامل احصا کرده است که عبارتند از: تمسخر، اهانت، عیب جویی، نامگذاری با القاب بد، سوء ظن، تجسس و غیبت: «ای اهل ایمان مؤمنان هر کز نباید قومی قوم دیگر را مسخره و استهزاء کنند شاید آن قوم را که مسخره میکنید از مسخره کنندگان بهتر باشند و زنان نیز نباید زنان دیگر را استهزاء کنند، شاید زنان مورد تمسخر از مسخره کنندگان نیکوتر باشند و هر کز از همدینان خود عیب جویی نمایید و یکدیگر را به نام و لقبهای زشت خوانید که پس از ایمان به خدا اگر نام فسق بر مؤمن نهند بسیار زشت است. ای اهل ایمان از بسیاری از پندار ها (ظن بد) در حق یکدیگر پرهیزید که برخی ظن و پندار ها معصیت است و نیز هر کز از حال درونی همدیگر تجسس مکنید و غیبت یکدیگر را روا مدارید آیا شما دوست میدارید که گوشت برادر مرده خود را بخورید؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید» و به ترویج کننده آن وعده عذاب داده شده است. بناءً وضع محدودیت در موارد مشخص و با ذکر دلایل مؤجه به خاطر حفظ و بقای امنیت در جامعه، جلوگیری از تعرض به شخصیت و حیثیت افراد، ترویج فساد و فحشا و بی حیایی در جامعه امریست ضروری؛ اما این امر به هیچ وجه عدول از شناخت آزادی فکر و بیان نمیشود؛ بلکه هدف اصلی در آن، جلوگیری از ضرر رسانی است؛ زیرا هر حق از خود حد و اندازه دارد که نباید از حدود معینه آن تجاوز صورت گیرد یا به عبارت دیگر استفاده از این حق اسباب اذیت دیگران را فراهم سازد.

منابع

۱. قرآنکریم.
۲. انصاری، باقر. (۱۳۹۳). **حقوق ارتباط جمعی**. تهران: چاپ پنجم. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت).
۳. انصاری، باقر. (۱۳۹۱). **حقوق رسانه**. تهران: چاپ سوم. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه (سمت).
۴. انصاری، باقر و دیگران. (۱۳۸۱). **مسؤولیت مدنی رسانه های همگانی**. تهران: چاپ اول. اداره چاپ و انتشار معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات.
۵. بوشهری، جعفر. (۱۳۷۶). **مسایل حقوق اساسی**. تهران: چاپ اول. نشر دادگستر.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). **ترمنولوژی حقوق**. تهران: چاپ دوم. جلد چهارم. کتابخانه گنج دانش.
۷. دفتری، احمد متین. (۱۳۴۸). **حقوق بشر حمایت های بین المللی آن**. تهران: چاپخانه بهمن.
۸. رسولی، محمد اشرف. (۱۳۸۸). **تحلیل و نقد قانون اساسی افغانستان**. کابل: چاپ اول. جلد اول. انتشارات سعید.
۹. شایگانی، فریده. (۱۳۸۲). **تقویت همکاریهای بین المللی در زمینه حقوق بشر**. تهران: چاپ اول. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۰. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۷۵). **آزادی های عمومی و حقوق بشر**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۴). **حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). **گامی به سوی عدالت**. تهران: جلد اول. انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۳. کاتوزیان، ناصر و دیگران. (۱۳۸۲). **آزادی اندیشه و بیان**. تهران: چاپ اول. انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۴. معتمد نژاد، کاظم. (۱۳۸۶). **حقوق مطبوعات**. تهران: چاپ پنجم. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴). **حقوق بشر و آزادی های اساسی**. تهران: چاپ اول. نشر میزان.

۱۶. هاشمی، سید محمد و دیگران. (۱۳۸۳). **حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت**. تهران: چاپ اول. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم شناسی.
۱۷. کارگزاری، جواد. (۱۳۸۴). **دیوان عالی کانادا و حمایت از حقوق و آزادی ها**. حقوق بشر و حقوق عمومی.
۱۸. محمدی، فریده و دیگران. (۱۳۹۵). **حقوق، آزادی و محدودی های رسانه ها در افغانستان**. مجله کاوش، چاپ پنجم، چاپخانه دقت.
۱۹. بناء، عبدالودود. (۱۳۹۲). **بررسی اصل برخورداری از حق آزادی بیان در نظام حقوقی افغانستان** (پایان نامه). هرات: دانشگاه هرات.
۲۰. ویژه اسناد بین المللی حقوق بشر. ۱۳۸۱. کابل: نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، چاپ مطبوعه حسیب.
۲۱. اعلامیه اسلامی حقوق بشر. مصوبه ۱۹۹۰ میلادی (۱۳۶۹).

22- <https://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1907266/>

23- <http://dailyopensociety.com/fa/limits-of-freedom-of-speech/>

24- <http://tkg.af/dari/analysis/analysis/224>